

## سر سکه اشرف افغان

در فروردین ۱۳۱۸ ایامی که برای گذراندن تعطیل نوروزی در اصفهان بودم تصادفاً بتحصیل پاره فلزی که بر روی آن عباراتی منقور است موفق آمدم. پس از مختصر مطالعه و دقتی معلوم شد که نقش روی این پاره فلز نقش یکی از سرسکه های اشرف افغان است و فروشنده آن بمن میگفت که افغانان در حین فرار از اصفهان مقارن ورود نادر بآنجا آنرا در یکی از چاه های مسجد شاه انداخته بودند و بعد ها قطعه فلز مذکور از آن چاه بیرون آورده شده است.

این پاره فلز استوانه ای شکل قریب سه سانتیمتر و کسری از ارتفاع دارد و قطر قاعده علیای آن اندکی از دو سانتیمتر کمتر و قطر قاعده دیگر از این مقدار هم کوچکتر است و بر قسمت سفلی آن آثار ضرب و شکستگی هویداست و مینمایاند که آنرا بوضع قدیم بر روی زر و سیم تفته میگذاشته و بضرب کوبه و چکش اثر نقش طرف علیای آنرا باین ترتیب بر زر و سیم نقل میداده و بآن وسیله ضرب مسکوک میکرده اند.

عبارت منقور بر این سرسکه این بیت است.

دست رد بر جلاله بود گناه داد تقییر سکه اشرف شاه

و بر کنار آن یعنی در زیر کلمه اشرف عدد (۱۱۴) نقش است که البته تاریخ

احداث این سرسکه را میرساند و آن بقاعده باید یکی از سالهای ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱

و ۱۱۴۲ باشد که رقم آخر آن را حكاك یا از راه مسامحه از قلم انداخته و یا بعلت

نداشتن جای از نمودن آن صرف نظر کرده است.

اشرف افغان در سال ۱۱۳۷ پس از کشتن محمود در اصفهان بجای او بتخت

سلطنت نشسته و در ربیع الثانی ۱۱۴۲ پس از شکست یافتن از نادر در مورچه خورت اصفهان را به مجله ترك گفته و بسمت فارس گریخته است و چون او در تمام مدت سال ۱۱۴۱ و سه ماه اول سال ۱۱۴۲ که در ربیع الثانی آن بکلی منهزم و از پادشاهی مایوس شد گرفتار کشمکش و جنگ با نادر بوده حدس غالب نگارنده این است که سرسکه موضوع بحث ما بایستی در سال ۱۱۴۰ که دوره بالنسبه آرامی برای اشرف محسوب میشود ترتیب داده شده باشد و امری که این حدس را تأیید میکند توجه باین نکته است که کاتبان و حکاکان قدیم غالباً در نمودن اعداد سنین رقم صفر را که در حقیقت نماینده هیچ رقمی نیست چه در آخر اعداد چه در میان آنها نمی نگاشته اند و چون این ترتیب بسیار شیوع داشته است خوانندگان به سهولت محذوف بودن آن را در می یابند و در صورتیکه هیچگاه چنین ترتیبی را در باب ارقام دیگر روا نمیداشته اند بنا بر این قریب یقین میتوان گفت که غرض از عدد (۱۱۴) که بر کنار سرسکه اشرف منقوش است همان سال ۱۱۴۰ بوده است لاغیر. گذشته از این مسکو کی از زر از همین اشرف، افغان در موزه بریتانیا در لندن هست که تاریخ آن سال ۱۱۴۰ است و همین نقش سکه را هم دارد و لسی رچینالد استوارت پول که مسکوکات سلاطین ایران را در آن موزه فهرست کرده ملتفت معنی عبارت روی سکه نشده و آن را باین وضع مضعضک یعنی بشکل ذیل خوانده است:

دست رد بر جلاله اشرف شاه (!) بود تعمیر سکه داد گناه (!)

عبارت دیگر سکه که لابد سر سکه دیگری داشته بقرینه سکه موزه بریتانیا

این بوده است: جلوس میمنت مانوس در دارالسلطنه اصفهان ۱۱۳۷.

برای توضیح مطالبی که بعد خواهیم نگاشت ناچاریم که عبارت صحیح روی

این سرسکه یعنی بیت:

دست رد بر جلاله بود گناه داد تغییر سکه اشرف شاه

را قدری تشریح کنیم.

معنی عبارت چنانکه مخفی نیست این است که چون گذراندن دست بر روی

اسماء جلاله (یعنی نام خدا و رسول) گناه است و جز بر مؤمنین و اهل طهارت بردیگری روا نیست اشرف نقش سکه هائی را که بر این اسماء مشتمل بود تغییر داد. پیش از استیلای افغانه سکه های صفوی بر یک روی شامل نام شاه و محل و تاریخ ضرب بود و بر روی دیگر در وسط دایره ای کلمه شهادتین و دور آن نام دوازده امام را نقش میکردند از آنجا که اشرف سنی مذهب بود و رایج بودن اینگونه مسکوکات صفوی را باین وضع و با این نقش در قلمرو پادشاهی خود سخت ناپسند و با عقیده دینی خویش مخالف می یافت این تدبیر را پیش گرفته و باین حیلۀ شرعی که در ظاهر از دینداری و تقدس مآبی او حکایت میکرد متشبه شده است تا هم احساسات مردم شیعی مذهب ایران را که با جبار تحت سلطۀ افغانه رفته بودند زیاد جریحه دار نسازد و هم تاحدی بغیال باطنی خود که تغییر سکه است بصورتی که بشورش و عصیان منتهی نشود عمل کرده باشد. این عمل جاری شد و تا قلیل مدتی هم معمول بود اما طولی نکشید که اشرف از این حد نیز تجاوز نمود و نیت اصلی خود را علنی ساخت و بضرب و رواج مسکوکاتی دستور داد که بر آن این بیت نقش بود:

ز الطاف شاه اشرف حق شعار  
بزر نقش شد سکه چار یار  
در اینجا دیگر اشرف صریحاً سکه ها را بنام خلفای اربعه بر گردانده و نام دوازده امام شیعیان را بدون ذکر عذر و بهانه ای شرعی از روی مسکوکات ستورده.



سرسکه  
های  
اشرف



حرکت اشرف در این راه ظاهر آ تقلیدی است از اقدام شاه اسماعیل ثانی پسر شاه طهماسب اول که مدتها قبل از اشرف در خیال انجام دادن آن بوده و لئی بعلمت کوتاهی دوره سلطنت باجرای آن توفیق نیافته است.

شاه اسماعیل ثانی (دوره سلطنتش از ۲۴ جمادی الاولی سال ۹۸۴ تا سیزدهم شعبان سنه ۹۸۵) در زمان حیات پدر خود شاه طهماسب اول ایام خردسالی را در هرات مقیم بود و چون در این تاریخ معلمی سنی مذهب داشت بر اثر تعالیم استاد باین آیین گروید و شاه طهماسب بهمین علت و بعلم رفتارهای زشت دیگر که از پسر دیده بود

در اواخر سلطنت اسماعیل را در قراباغ آذربایجان بزندان افکند. اسماعیل در اینجا نیز بیشتر اوقات را با درویشان اهل سنت میگذراند و روز بروز رسوخ او در این مذهب و عنادش نسبت به پیروان تشیع زیادتر میشد تا آنکه چون بجای پدر در قزوین به سلطنت نشست عقیده دینی خود را ظاهر ساخت و با آزار علمای شیعه و منع لعن بر خلفای ثلاثه و عایشه پرداخت و در این طریق باین میزان نیز اکتفا ننمود بلکه مرتکب حرکاتی زشت و ناپسند شد و قبیح تر از همه آنکه چون نوشتن شعر را بر کتیبه‌ها و در و دیوار مساجد حرام می‌بنداشت سفیهانه امر داد تا بسیاری از کتیبه‌های منظوم مساجد قزوین را که بخط استادان زبردست فن بود ستردند و مقداری از این نوع آثار زیبا را از میان بردند.

اعمال شاه اسماعیل ثانی در راه ترویج تسنن و خیال او در اقامه مراسم خطبه نماز بوضع اهل سنت جماعتی از علمای شیعه را به مخالفت با او برانگیخت و از این جماعت از همه مشهورتر امیر سید حسین عاملی کرگی بود که زیر بار بدعتهای شاه اسماعیل ثانی نرفت. شاه اسماعیل هم کتب علمی امیر سید حسین را در محلی ریخت و بر آنجا قفل و مهر نهاد و امیر سید حسین را از خانه بیرون کرد.

اما آن اقدام شاه اسماعیل ثانی که اشرف ظاهراً بتقلید آن برخاسته اینک که روزی آن پادشاه در حضور جمعی از علما موضوع مسکوکات صفوی را که بین مردم رایج بود بیان کشید و گفت که چون این سکه‌ها در دست کفار یهود و نصاری و هندو میگردد و ایشان بناپاکی دست بر نام خدای تعالی و پیغمبر می‌نهند قصد دارم که بضرب سکه تازه‌ای قیام نمایم.

میر سید حسین کرگی سر به مخالفت برداشت و از راه استهزاء پیشنهاد کرد که بر سکه بیتهای از گفته‌های حیرتی شاعر را که بر لعن خلفای ثلاثه مشتمل بود بنویسد چون شاه اسماعیل ثانی سرکشی علمای شیعه را در این خصوص پایدار دید از تعقیب خیال خود دست برداشت و بالاخره قرار بر آن شد که از روی مسکوکات نقش : «علی ولی الله» و نام ائمه را بردارند و بجای آن این بیت را که :

ز مشرق تا مغرب گرامامست  
علی و آل او مارا تمامست  
بنگارند و در طرف دیگر سکه بهمان اسم و محل و تاریخ ضرب قناعت کنند  
باین ترتیب مقداری سکه رواج یافت لیکن پس از برافتادن شاه اسماعیل ثانی این  
بدعت نیز بر افتاد و در سال ۹۸۵ وضع بهمان سیره قدیمی برگشت.

اما رسمی که اشرف در حذف نام اتمه و ذکر نام اسامی خلفای اربعه در روی  
مسکوکات پیش گرفته بود پس از فرار او از اصفهان یعنی از اواسط سال ۱۱۴۲ منسوخ  
شد و در عهد شاه طهماسب ثانی و شاه عباس سوم قاعده پیشین از نو معمول گردید.  
سکه‌ای که در ۱۱۴۵ بنام شاه عباس سوم طفل شیرخوار شاه طهماسب ثانی بعد از  
عزل پدرش بامر نادر در اصفهان زده شده در وسط نقش: «لا اله الا الله محمد رسول الله  
علی ولی الله» و در حاشیه نام دوازده امام را دارد و در پشت آن این بیت نگاشته شده:  
سکه بر زر زد بتوفیق الهی در جهان ظل حق عباس ثالث ثانی صاحبقران  
با ذکر محل و تاریخ ضرب یعنی: «اصفهان ۱۱۴۵».

ذکر کلمه شهادتین و نام اتمه در روی مسکوکات از عهد نادر بعد بکلی منسوخ  
شد و دیگر این نقش حتی در عهد زندیه و قاجاریه هم جز در روی سکه‌های خاصی  
که در مشهد مقدس و غیرها بعنوان تبرک و انعام ضرب میشده دیده نمیشود.



مقاله فوق را نگارنده کمی بعد از آنکه این سر سکه را بدست آورده بودم  
نوشته‌ام. تصادفاً دو سال بعد که بار دیگر در ایام نوروز با اصفهان رفتم از همان شخص  
که آن سر سکه را خریده بودم سر سکه دیگری از اشرف خریدم که پس از ملاحظه  
معلوم شد سر سکه جانب دیگر مسکوکات اشرف افغان است و نقش روی آن  
چنانکه در فوق بحسب و بقیاس مسکوکات او در موزه بریتانیا معین کرده بودیم این  
است: «جلوس میمنت مانوس در دار السلطنه اصفهان ۱۱۳۷». دایره‌ای که در روی  
این سر سکه متضمن این نقش است از جهت قطر تقریباً عین دایره روی سر سکه اولی  
است لیکن ارتفاع قطعه فلز قریب چهار برابر از ارتفاع قطعه اول کمتر است.  
این دوسر سکه را نگارنده بدوست ارجمندم آقای مهندس عباس مزدا که بجمع آوری  
این قبیل اشیاء علاقه‌ای دارند برسم یادگار داده‌ام و حالیه در تصرف ایشان است.